

توارد

حسن امین

□ ۱- درآمد

در حوزه‌ی تحقیقات ادبی، گاهی «توارد»‌های عجیب دیده می‌شود که چون چند نویسنده، در موضوع واحد، بر اساس متون واحد، قلم بزنند، اگر از عقل و فهم بالنسبه مساوی برخوردار باشند و از جهت روش‌شناسی هم از روش‌های مشابه بهره بگیرند، به نتایج کاملاً واحد می‌رسند. شاهد این واقعیت، دو نامه‌ی کاملاً جداگانه‌ی است که در باب موضوع واحد (مجموعیت نامه‌ی منسوب به امیرکبیر خطاب به ناصرالدین‌شاه)، یکی از قلم دوست دانشمند پیش‌کسوت ما ایرج افشار و دیگری به قلم حقیر، در فصل نامه‌ی **ره‌آورد گیل** چاپ شده است که تقریباً عین عبارات به توارد تکرار شده است و لذا در این‌جا هر دو نامه را عیناً نقل می‌کنم:

۲- متن

الف: نامه‌ی ایرج افشار:

«در شماره‌ی ششم (سال چهارم ۱۳۸۵) در دو مقاله یکی به قلم حسنعلی محمودی با عنوان «برگی از تاریخ» و دیگر به قلم آقای فریدون شایسته با عنوان «پیشگامان طرح قانون در دوره‌ی قاجار» نامه‌ی مجعول چند سطری از امیرکبیر به ناصرالدین‌شاه درج شده است که طبعاً به مناسبت تند و تیزی شاید مطلوب بسیاری واقع شود، ولی از نظر استدلال تاریخی نمی‌تواند پایه و مایه‌ی داشته باشد. این نامه ظاهراً از آمریکا به ایران رسید و با فتوکپی کردن به دست بسیاری رسید. در همان موقع که یکی از خویشانم در آمریکا آن را به من نشان داد، به ایشان گفتم جعلی‌ست و پس از این‌که به ایران بازگشتم در مجله‌ی **بخارا** (شماره‌ی ۳۱، مرداد - شهریور ۱۳۸۲) دلایل جعلی بودن را نوشتم.

اینک هم عرض می‌کنم که هرگز امیرکبیر به شاه قربانت شوم، نمی‌نوشت و بیش از صد نامه از او به شاه موجود است که او چه می‌نوشته است.

دیگر این‌که خط شباهتی به خط امیرکبیر ندارد.

دیگر این‌که لحن نامه مخصوصاً نام‌بردن از عزةالدوله به‌عنوان «همشیره‌ی همایونی» دور از مقام بزرگ امیرکبیر است.

دیگر این‌که اگر یک مورد و یک‌جا در **منشآت** و تحریرات عصر قاجاری به من نشان داده شود که تهران با تای دو نقطه نوشته باشند، عرض می‌کنم که سراسر نامه از امیر است. طهران به دو نقطه از اواسط عهد رضاشاه پهلوی مرسوم شد.

امیدوارم برای رفع شبهه عکس آن نامه‌ی جعلی را همراه این یادداشت چاپ نمایید و برای تطبیق خط یکی از خط‌های امیرکبیر را که در مجموعه‌ی نامه‌های او به همت سیدعلی آل داود چاپ شده است، نیز کنار آن نامه به چاپ برسانید.»

ب- نامه‌ی سیدحسن امین:

«دوست عزیز و فرهنگ‌پرور جناب دکتر محمدعلی فائق با سلام و تجدید ارادت

شماره‌ی ششم **ره‌آورد گیل** مربوط به بهار و تابستان ۱۳۸۵ که ویژه‌ی مشروطیت است، رسید و با اشتیاق آن را خواندم. در دو مقاله یکی با عنوان «برگی از تاریخ» به قلم آقای حسن‌علی محمودی و دیگری با عنوان «پیشگامان طرح قانون در دوره‌ی قاجار» به قلم آقای فریدون شایسته، متن نامه‌ی منسوب به امیرکبیر خطاب به ناصرالدین‌شاه، عیناً نقل شده بود که: «قربانت شود، السّاعه که در ایوان منزل با همشیره‌ی همایونی به شکستن لبه‌ی نان مشغولم... در حالی که عل‌التحقیق این نامه، نوشته‌ی امیرکبیر نیست و من بنده پیش از این طی مقاله‌ی با عنوان «دو نامه از امیرکبیر به ناصرالدین‌شاه» در **ماهنامه‌ی حافظ** شماره‌ی ۲ (اردیبهشت ۱۳۸۳) با ارائه‌ی هشت دلیل ثابت کرده‌ام که این نامه به خط و انشای امیرکبیر نیست.

موقع را برای تقدیم تبریکات صمیمانه از جهت تداوم خدمات فرهنگی به جناب عالی و همکاران مغتنم می‌شمارم.»

۳- نتیجه

از حسن اتفاق این هر دو نامه، تقریباً هم‌زمان نوشته شده و هر دو به فاصله‌ی کوتاهی به‌دست ناشر رسیده و در نتیجه هر دو در یک‌زمان در شماره‌ی واحد در همان نشریه چاپ شده است و یک «توارد» واقعی را ارائه می‌دهد. حالا اگر به تصادف، یک نامه زودتر از دیگری و در نشریه‌ی دیگر چاپ شده بود، یقیناً همین تقدم و تأخر زمانی، این شبهه را برمی‌انگیخت که نامه‌ی مؤخر پس از «استفاده» از نامه‌ی مقدم نوشته شده است.

بنده، علاوه بر ذکر این «توارد»، این نکته را نیز باید بگویم که من نوشتار قبلی استاد ایرج افشار و دلایل ارائه شده از سوی ایشان را در مجله‌ی **بخارا** ندیده‌ام و خوشبختانه دلایل و استنادات ابرازی من در **حافظ** برای اثبات مجعولیت آن نامه، کاملاً از دلایل مطرح شده از سوی استاد ایرج افشار مستقل و متفاوت است و از جمله این‌که من به کتابت تهران (به تاء منقوطف) در متن نامه‌ی منسوب به امیرکبیر التفات نکرده‌ام و ایشان هم به دلایل ارائه شده از سوی من (هشت دلیل کاملاً متفاوت) اشاره نفرموده‌اند.

این شاهد را بدان آوردم که از گله و شکایتی که مکرراً در خاطرم گذشته بود که اغلب، گویی دیگران با استفاده از آثار من مقاله‌هایی نوشته‌اند و می‌نویسند، نزد وجدان خویش عذرخواهی کنم و بگویم که احتمال «توارد» در آن ابواب هم می‌رود. ■